

# بازگشت دوباره امارت اسلامی یا دوام حکومت دموکراتیک

علی قادری



پوهه است. حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان بار ها سمران این گروه را از زندان های افغانستان و پاکستان رها نمود. برخی آموزشگاه های این گروه را مصون از حملات نیرو های امنیتی افغانستان قرار داد. در واقع، گروه طالبان در دامن حکومت افغانستان و پاکستان در سال های اخیر پرورش یافت. اشتباه است اگر بپنداریم که در قدرت مند شدن گروه طالبان تنها کشور های بیرونی دست داشته است. یکی از عامل اساسی و مهم حمایت شخص حامد کرزی و افراد دور و بر او از گروه طالبان بوده است. افرادی که از زندان رها نمود یا انتحار و انفجار نمودند و یا امروزه حملات بر ولسوالی ها و ولایت های کشور را رهبری و مدیریت می نمایند. فردی که حمله بر شهر قندوز را مدیریت و

بسر تا دوباره خود را سازماندهی نماید. سازماندهی دوباره گروه طالبان دقیقاً زمانی آغاز شد که آمریکا به عراق حمله نمود و حملات خود را در پناهگاه های گروه طالبان کاهش داد. گروه طالبان تجهیزات و تمام ابزار های جنگی خود را از دست داده بود. بنابر این، برای بازگشت دوباره به میدان جنگ نیازمند کمک و تجهیز و تمویل بود. ارتش و سازمان استخباراتی پاکستان دقیقاً در همین زمان رابطه خود را با گروه طالبان دوباره از سر می گیرد. در زمان جنگ با شوروی در افغانستان گروه طالبان از سوی ارتش و سازمان استخبارات پاکستان آموزش داده می شد. بنابر این، پاکستان سر نخ های ایجاد رابطه دوباره با گروه طالبان را داشتند. پاکستان دوباره به تمویل و تجهیز گروه طالبان پرداختند.

## امپریالیسم جدید

جان بلایمی فاستر / ترجمه احمد سیف/ قسمت اول



و جنگ، و (۱۷) هژمونی بین المللی طبیعی است که بین نظریه پردازان کلاسیک بر این که بر چه نکته ای تأکید بورژوازد اختلاف وجود داشت. نظریه امپریالیسم در کتاب انباشت سرمایه لوکزامبورگ و امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه داری نئین و یا در کتاب امپریالیسم و اقتصاد جهانی بوخارین برکدام براساس نظریه مشخصی درباره ی بحران اقتصادی بود. مشکل تحقق ارزش اضافی و رابطه ی آن با ادغام سریع مناطق غیر سرمایه داری در تحلیل لوکزامبورگ نقش مهمی دارد که برای نئین و بوخارین این گونه نبود. نئین و بوخارین بر رشد سرمایه داری انحصاری تأکید کرده اند که در بررسی لوکزامبورگ عده تاً حضور ندارد. مشخصه ی دیدگاه بوخارین، تمرکز بر سوی آن چیزی است که او «تقسیم بین المللی کار» و «بین المللی شدن سرمایه» می نامد. این بوخارین بود که با بازگشت به مارکس براین نکته تأکید ورزید که سود مازاد انحصاری بنگاه های سرمایه داری از نرخ کار و بهره کشی از کار ارزان در کشورهای پیرامونی به دست می آید.

بافتواریت نظریه های کلاسیک امپریالیسم نظریه ی امپریالیسم نئین بود که به عقیده ی او «امپریالیسم در کوتاه ترین تعریفی که می توان از آن به دست داد یعنی مرحله ی انحصاری سرمایه داری» و به این ترتیب این مرحله جدید از امپریالیسم زمان خود را به تغییرات در فرایند انباشت گره زد. با پیش نگری بسیاری از درگیری های ذهنی ما در شرایط کنونی نئین در مقدمه ای که

روشن است که نظریه های کلاسیک دیگر به طور مستقیم کاربرد ندارند. اما ریخت شناسی امپریالیسم در این نوشته های آغازین است که رمز و راز اشکال تکاملی کنونی را روشن می کند. همان طور که آنتیلسو بوزورن در ۲۰۰۵ در امپراتوری و امپریالیسم می گوید «پارامترهای اساسی امپریالیسم» که در کارهای کلاسیک توصیف شده است همچنان اساسی اند هرچند «پدیدارشناسی» امپریالیسم تغییر کرده است.

چالشی که در برابر نظریه های مارکسی از سیستم جهانی امپریالیستی در زمان ما وجود دارد این است که در ارزیابی خود از ویژگی تاریخی اقتصاد جهانی کنونی همه ی ابعاد این دیدگاه های کلاسیک را دریابد. در این مقدمه (همان طور که در کل این شماری تشریح) بحث خواهیم کرد که آن چه جهانی سازی نولیبرالی در قرن بیست و یکم نامیده می شود در واقع محصول تاریخی دگرسانی به سرمایه ی مالی - انحصاری جهانی یا چیزی است که سعیر امین امپریالیسم «سرمایه داری انحصاری تعمیم یافته» نامید. بنابر این، در قرن بیست و یکم امپریالیسم به یک مرحله ی تازه و پیشرفته تر پیوسته با جهانی سازی تولید و مایه رسیده است. این همه در چارچوبی است که استراتژیست های ارشد سیاست خارجی آمریکا «جنگ های سی ساله ی جدید» نامیده اند که واشنگتن برای کنترل استراتژیک بر خاورمیانه و مناطق همجوار در پیش گرفته است: یک امپریالیسم جدید عربیان.

امارت اسلامی طالبان با حمله نیرو های ایالات متحده آمریکا و نیرو های سازمان اتلانتیک شمالی در مدت سه ماه سقوط کرد. همه افراد و نیرو های گروه طالبان متواری و پنهان شدند. ملا عمر، رهبر این گروه به افراد و اعضای این گروه دستور داد که از جنگ دست بکشند و پنهان شود. از آن زمان تا کنون در حدود چهارده سال می گذرد. در این مدت هیچ یک از سران گروه طالبان به صورت علنی قادر به نشست و برخاست نبوده است. اما بعد از چهارده سال این گروه دوباره هوایی برپای امارت اسلامی را به صورت جدی تر دنبال می کند. این گروه برای اولین قادر به سقوط یک ولایت از دست حکومت مرکزی افغانستان شده است و نتوانسته برای چندین ساعت کنترل یک شهر را به دست بگیرد. آیا قدرتمندی گروه طالبان به معنی بازگشت امارت اسلامی و دوران تاریک این گروه خواهد بود؟ چرا گروه طالبان بعد از سرکوب شدن و شکست تحقیر آمیز دوباره سر بلند کرد و اکنون به عنوان گروه قدرتمند حاکمیت مرکزی حکومت وحدت ملی را به چالش می کشد.

به صورت مشخص چند عامل در بازگشت و قدرتمند شدن دوباره گروه طالبان تأثیر گذار بوده است. مهمترین عامل مصروف شدن آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۳ بود. عامل دیگر برقراری رابطه مجدد ارتش و سازمان استخبارات نظامی پاکستان با این گروه بود و عامل سوم برخورد و رفتار دو پهلو سمران حکومت افغانستان در سال های گذشته بوده است. در نوشتار کنونی، سعی می کنم قدرتمند شدن گروه طالبان را با توجه به عوامل مذکور مورد بررسی قرار دهم.

زمانی که نیرو های بین المللی در افغانستان حمله کردند و امارت اسلامی طالبان را سقوط دادند بر این باور بودند که با ایجاد یک حکومت مردمی در افغانستان و کنترل حکومت بسر قلمرو افغانستان جنگ پایان خواهد یافت. با وجود شکل گیری حکومت در افغانستان اما، جامعه جهانی با تأخیر روی تقویت نیرو های امنیتی افغانستان کار را آغاز نکرده اند. از این جهت، حکومت افغانستان قادر به تأمین امنیت و کنترل قلمرو افغانستان نبود. ضعف نیرو های امنیتی در نخستین سال های حکومت جدید و در کنار آن حمله آمریکا به عراق باعث شد که افغانستان از مصراق توجه جامعه جهانی تا حدودی خارج شود. این بهترین فرصت برای گروه طالبان

## سرمقاله نیاز به اقدام جدی برای مبارزه با طالبان

محمد رضا هویدا

روز گذشته، مانند همه حوادث تلخ دیگری که پارلمان وزرای مربوطه را به استعجاب می خواست، وزارت دفاع و داخله و رئیس امنیت ملی به پارلمان خواسته شدند هر کدام توضیحات خود را ارائه کردند، وزارت دفاع ملی که توسط سرپرست اداره می شود، اما توضیحات وزیر داخله و رئیس امنیت ملی برای نمایندگان قناعت بخش نبوده است و به همین دلیل قصد بر استیضاح آنان در هفته آینده است. در این جلسه پارلمان جیلانی پوپل رئیس ارگان های محلی و افضل امان رئیس اداره عملیاتی وزارت دفاع ملی نیز حضور داشتند.

از سوی دیگر روند تحولات امنیتی به اندازه ای تند و سریع پیش می رود و حوادث و حملات طالبان در ولایات مختلف به گونه ای برنامه ریزی شده و منظم انجام می شوند که باعث نوهی سردرگمی برای دولت شده است. مردم به اطلاعات درست دسترسی ندارند. فریادهای کمک هموطنان کنذری به نوهی بی پاسخ مانده است. کنذز هنوز محتاج کمک است و خانواده ها و سربازان و در کل مردم در تلفون ها و گزارش ها از دولت خواهان کمک عاجل هستند. در همین حال مناطق دیگری در کشور نیز مورد حمله خشن و بی رحمانه طالبان قرار گرفته اند. سرهت این حملات و هماهنگی که میان آنها دیده می شود، نگران کننده است.

سنگنان مقامات امنیتی در پارلمان و در روزهای قبل، مطالب جدیدی نداشته اند. حرفهایی مثل اینکه: از قبل در جریان بوده ایم، یا تذکر داده ایم، یا هماهنگی لازم نبوده است، و ... در گذشته در موارد مختلفی نیز ابراز شده است. این حرفها دیگر برای مردم افغانستان تازگی ندارند. اما با همه اینها، حرف از ناهماهنگی هایی در داخل ادارات امنیتی افغانستان در سطوح بالا برای مردم افغانستان و نمایندگان مردم قابل قبول نبوده و نیست.

در حالی که طالبان به بزرگترین حملات از زمان سقوط حکومت شان به بعد دست زده اند، اما دولت افغانستان بعد از یک سال از آغاز آن هنوز هم در نبود وزیر دفاع و با سرپرست می جنگد. ادارات امنیتی با یکدیگر هماهنگ نیستند و پلان های شان نه تنها کمکی به بهبود وضعیت نمی کند، بلکه وضعیت را به سوی خرابی سوق داده است.

آن گونه که مسئولان امنیتی می گویند، گزارش ها و راپورهای امنیتی به اندازه تکان دهنده بوده است که می بایست پلان های امنیتی کلانی در سطح کلان کشور طراحی و به اجرا گذاشته می شد، اما نه تنها این پلان ها به اجرا گذاشته نشده است که، در برخی موارد جلو آنها نیز گرفته شده است.

بحث دیگری که باید جدی گرفته شود، فراتر از سقوط یک ولایت یا ولسوالی، حفظ جان و مال و ناموس مردم است. شاید بتوان ابزارها و وسایل نظامی و پول هایی را که به تاراج رفته است، را توجیه کرد یا دوباره به دست آورد و همین طور می توان خانه های خراب شده و ادارات سوختانده شده را دوباره ساخت، اما نمی توان به هیچ نوع جان های گرفته شده و خون های ریخته شده و حیثیت های بریاد رفته را جبران کرد. آنچه برای مردم است نیز همین است، اینها برای مردم تکان دهنده هستند و دولت به عنوان نهادی که قانوناً حافظ مال و جان و ناموس مردم می باشد، موظف است تا به وظیفه اش عمل کند.

در نهایت باید گفت، که استیضاح ها و استعجاب ها و پرسش و پاسخ ها در پارلمان اگر طبق روال گذشته باشد، راه به جایی نمی برد و زمان نیز شاید آن قدر یاری نکند که به گونه سابق این مسئله پیش برود. با توجه به آنچه اکنون در حال جریان است، ولایات و ولسوالی های تحت تعرض به کمک های جدی و عاجل و موثر نیازمند هستند.

این اکنون باوری فراگیر در میان چپ هاست که جهان وارد یک مرحله ی جدید امپریالیستی شده است. از نظرگاه ماتریالیسم تاریخی اصلا عجیب نیست که امپریالیسم تکامل یابد و شکل های تازه تری بگیرد. امپریالیسم همانند سرمایه داری با فرایند دائمی تغییر مشخص می شود که از دوران هایی کمپویش تعریف شده می گذرد. تا به همین جا وقتی در دهه ی ۱۸۹۰ بحث های داغی درباره ی امپریالیسم در انگلستان در جریان بود از واقعیت تاریخی موجود تحت عنوان «امپریالیسم جدید» نام بردند تا آن را از مرحله ی استعماری پیشین امپراتوری بریتانیا متمایز کرده باشند. این کوشش برای بررسی امپریالیسم جدید دوره ی ۱۸۷۵ تا ۱۹۱۴ بود که الهام بخش فعالیت های نوشاری مارکسیست های اولیه از جمله نئین، بوخارین، رزا لوکزامبورگ (و با توفیق کم تر رودولف هیلفر دینگ و کارل کائوتسکی) در تکامل نظریه ی امپریالیسم شد. البته گزاره هایی هم افزوده شده که اندکی بعد در مکتب وابستگی تعدیل شدند.

در مرحله ی کنونی سرمایه داری - امپریالیسم

کارتون روز



- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حقیقت الله زکی
- کاربکاتوریست: خالق علی زاده
- دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: مهدی صالحی
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه  
**افغانستان**  
The Daily Afghanistan

روزنامه  
**Outlook**  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Publication

- روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
- هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردد داده نمی شود.
- مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.
- روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.
- www.dailyafghanistan.com
- Email: thedailyafghanistan@yahoo.com